



فهرست

۲.....	خلاصه جلسه قبل
۲.....	اشکال سوم به مقدمیت طهارات ثلاث
۲.....	توضیح اشکال دور
۳.....	نظر مرحوم صاحب کفایه در مورد دور
۳.....	خلاصه جواب اشکال دوم
۴.....	جواب اشکال دور
۵.....	جواب اشکال دوم مرحوم آخوند به مقدمیت طهارات ثلاث
۶.....	بهترین جواب اشکال دور
۶.....	جواب اول
۶.....	جواب دوم
۷.....	خلاصه بحث



بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه جلسه قبل

بحث در مقدمیت طهارات ثلاث بود و گفته شد که سه اشکال وارد شده است.

- یک اشکال این بود که در مقدمات، ترتب ثواب نیست درحالی که در طهارات ثلاث، ثواب مترتب می شود.
- اشکال دیگر این بود که قریبت و عبادیت مقدمات با مقدمیت سازگار نیست. چیزی که مقدمه است برای این است که ما را به ذی المقدمه برساند اما عبادی بودن و قصد قریبت داشتن با مقدمه بودن، سازگار نیست.

اشکال سوم به مقدمیت طهارات ثلاث

اشکال سومی که بحث خواهیم کردیم اشکال دور است که مرحوم شیخ این را در فقه و در بحث طهارات فرموده اند. دور به این صورت است که امر به مقدمه، متوقف است بر اینکه این مقدمه، مقدمیت داشته باشد درحالی که مقدمیت این هم متوقف بر این است که امر وجود داشته باشد.

مثلاً وقتی امر بخواهد متوجه پله بالا رفتن یا هر چیز دیگری از مقدمات باشد، این متوقف بر این است که با قطع نظر از این که امر بیاید این مقدمه (بالای پشت بام بودن) باشد و یا مثلاً مقدمیت وضو، متوقف است بر اینکه عبادی باشد و عبادیت هم متوقف بر قصد امر آن است درحالی که هنوز قصد امر نیامده است.

توضیح اشکال دور

بحث دور در اصول فقه و کفایه هست. مقدمه و تبیین اشکال دور این است: امر که می خواهد روی مقدمه بیاید، باید مقدمیت این قبل از امر محرز باشد. مثلاً مسافرت شما به مکه، مقدمه این است که مکه باشید. از آسانسور یا پله بالا رفتن مقدمه این است که شما بالای پشت بام باشید. باید مقدمه قبل از اینکه امر بیاید خودش ذاتاً واقعیت مقدمیت را داشته باشد. پس امر متوقف است بر اینکه طهارات ثلاث مقدمه باشند و امر غیری به این ها، متوقف بر مقدمیت این ها



برای نماز است. مثل همه مواردی که امر غیری به هر مقدمه‌ای، متوقف بر این است که آن مقدمه قبل از این، مقدمیت داشته باشد.

اما در اینجا این مقدمه که متوقف بر عبادی بودن است، عبادیت آن متوقف بر این است که قصد امرش را بکند. قصد امر هم متوقف بر این است که امری موجود باشد. پس مقدمیت، متوقف بر این است که امری در کار باشد. امر غیری به این مقدمه و طهارت یا وضو متوقف است بر اینکه این مقدمه قبل از اینکه امر بیاید باشد؛ اما اینجا مقدمیت این متوقف شد بر اینکه امر باشد. چون که مقدمیت آن قصد قربت امر را می‌خواهد و تا امر نیامده قصد امر معنا ندارد؛ و لذا این دور می‌آید.

مرحوم شیخ در مطارح الانظار و در بحث اصول، اشکال ثواب و تنافی مقدمیت با عبادیت را مطرح کرده‌اند اما اشکال دور را در فقه مطرح کرده‌اند و من از تقریرات حضرت استاد آیت‌الله وحید، این مطالب را از فقه مرحوم شیخ نقل می‌کنم.

نظر مرحوم صاحب کفایه در مورد دور

مرحوم صاحب کفایه اشکال دوم را مستقیم مطرح نکرده‌اند. به نظر ایشان، اشکال دوم و سوم درواقع به هم برمی‌گردند یعنی مبنای دور همان عبادیت است و اشکال سوم را امتداد همان عبادیت می‌دانسته است. گویا ایشان می‌فرمایند: مقدمات معمولاً حالت توسلی دارند اما در نماز می‌گویید: مقدمه آن عبادی است. همین که می‌گویید عبادی است، یعنی نفسی است و ذاتاً ارزش دارد. شما می‌گویید: وضو و غسل و تیمم عبادی است (البته در تیمم اشکالی بود که ما گفتیم: آن هم عبادی است). معنای عبادی بودن این است که گویا خودش حساب مستقلی دارد. این اشکال دوم اشکال اصلی است و به تبع آن اشکال دور هم مطرح می‌شود. انساب این بود که در کلام مرحوم آخوند اشکال دور هم می‌آمد.

خلاصه جواب اشکال دوم

اشکال اول چند جواب داشت که هرکدام به نوعی کامل نبود.
اشکال دوم هم این بود که عبادیت با مقدمیت سازگار نیست.



جوابی که مرحوم آخوند و بعضی‌ها دادند این است که این مطلب در عالم ثبوت، قابل تصویر است. مقدمات اعمال ما دو نوع است:

- ۱- بعضی مقدمات حالت توسلی دارد یعنی ذات مقدمه که بیاید، ذی‌المقدمه هم حاصل می‌شود.
 - ۲- بعضی مقدمات در عالم واقع و عالم نفس الامر باید به حالت قربی بیاید. وقتی نماز محقق می‌شود که مقدمه یعنی وضو و تیمم جنبه قربی داشته باشند.
- پس عبادیت مقدمه فی‌الواقع قابل تصویر است. گاهی ذات عمل مقدمه است و گاهی در مثل وضو و غسل، ذات کافی نیست؛ صرف دست و پا شستن و مسح کردن کافی نیست بلکه غسلتین و مسحتین یا غسلات و مسحاتی لازم است که جنبه قربی داشته باشند. چون آدم می‌تواند این غسلات و مسحات را برای ریا یا برای خنک شدن و یا برای خدا انجام بدهد. می‌گوید آن مقدمه‌ای اثر دارد در که مضاف الی الله باشد و حالت عبادی داشته باشد. اگر این‌طور بود نماز محقق می‌شود. ارزش این مقدمه وقتی است که ما را به قرب برساند.
- البته طهارات ثلاث، ارزش مستقل هم دارد ولی می‌خواهیم بگوییم: با غفلت از آن و با فرض اینکه استقلالاً ارزشی ندارد، کاری است که اگر جنبه قربی پیدا کند با ارزش می‌شود. این عبادتی است که ارزش‌گیری دارد.
- در اینجا عمده اشکال در دور است. وقتی که امر غیری روی عبادت بیاید، عبادیت آن متوقف بر این می‌شود که قصد امر غیری بکند و آن متوقف بر این است که امر باشد.
- پس در اشکال دوم اگر کسی بگوید عبادیت با مقدمیت سازگار نیست می‌گوییم: وجدان می‌گوید که سازگار است. اگر این عمل حالت قربی داشت اثر دارد و ما را به ذی‌المقدمه می‌رساند و اگر قصد قربت در آن نباشد ارزشی ندارد. اگر ذی‌المقدمه را حذف کنیم این مقدمه ارزش ذاتی ندارد و حتی نمی‌شود قصد قربت هم کرد؛ بنابراین قربیت عمل و عبادیت آن با مقدمیت، قابل جمع است.

جواب اشکال دور

اشکالی که اینجا پیش می‌آید اشکال دور است. این دور را دو نوع می‌توان جواب داد:



- ۱- جواب تفصیلی و عام که وارد بحث نمی‌شویم. یک جواب عام مشترک این است که هر شکلی که شما در بحث تعبدی توسلی، دور در اوامر تعبدی را حل کردید همان را اینجا بگویید.
- ۲- جواب خاص که مشکل را خیلی خوب رفع می‌کند و آن این است که عبادیت طهارات ثلاث، متوقف بر قصد امر غیری نیست بلکه عبادیت آن متوقف بر قصد توسل به امر نفسی است و دیگر دوری هم نیست.

دور وقتی پیدا می‌شود که بگوییم: امر غیری متوقف است بر اینکه این مقدمه باشد و بعد بگوییم: مقدمیت این هم متوقف بر عبادیت است و عبادیت هم متوقف بر قصد قربت و قصد امر است. قصد امر غیری هم متوقف بر خود امر است. آن وقت با چند واسطه دور مضمحل می‌آید. امر غیری متوقف است بر مقدمیت این عمل یعنی باید این مقدمه باشد تا امر غیری بیاید. مقدمیت وضو در اینجا متوقف بر عبادیت و قربیت است و عبادیت و قربیت وضو، متوقف است بر قصد امر غیری. قصد امر غیری هم متوقف است بر خود امر. باید امر باشد که قصد کند پس امر متوقف بر خودش شد. این دور مضمحل است.

گاهی خیلی کوتاه می‌گویند: امر متوقف بر مقدمیت است و مقدمیت هم متوقف بر امر است ولی اگر تحلیل شود همان می‌شود که بیان شد.

جواب اشکال دوم مرحوم آخوند به مقدمیت طهارات ثلاث

اشکال دومی که مرحوم آخوند فرمودند می‌شود این گونه جواب داد که: ارزش بعضی از مقدمات به این است که عبادی و با قصد قربت باشند و بدون آن ارزش و تأثیری در ذی‌المقدمه ندارد. این نوع عبادیت در مقدمات وجود دارد و مانعی از این حیث نیست. ولی اشکال این است همین که می‌خواهید مقدمه را عبادی کنید و امر غیری بیاید، دور لازم می‌آید.

یک جواب، مبانی کلی بود که در اوامر نفسیه عبادیه هم باید بحث کنیم. در اصل عبادات هم همین مشکل دور وجود دارد. وقتی که امر به نماز می‌کند یا با قصد قربت است و یا بدون قصد قربت. اگر امر متعلق به نماز، بدون قصد قربت شود این؟؟؟ و اگر امر تعلق بگیرد به نماز با قصد قربت، یعنی امر عبادی توقف دارد به خودش؛ این همان دوری می‌شود که گفتیم.



این دور را همه فقها قبول دارند و این دور را باید با شیوه‌هایی که مرحوم آخوند و نائینی و دیگران دارند جواب داد.

بهترین جواب اشکال دور

جواب اول

خیلی‌ها این‌گونه رفع دور می‌کنند که:

عبادیت متوقف بر قصد امر نیست بلکه متوقف بر این است که ذات این برای مولى مطلوبیت داشته باشد و امر، کشف از مطلوبیت مولى کند نه اینکه مطلوبیت را بیاورد؛ بنابراین این جوابی که شما در آنجا دادید اینجا هم می‌آید و شاید بهترین و قابل دفاع‌ترین جواب هم همین است.

پس قربیت و عبادیت متوقف بر قصد امر نیست بلکه متوقف بر این است که مطلوبیتی در ذاتش باشد و این مطلوبیتی که در ذات اوست دیگر متوقف بر امر نیست. بلکه شناخت ما از آن متوقف بر امر است یعنی این شناخت متوقف بر امر است نه اصل آن، لذا دور رفع می‌شود.

جواب دوم

جواب دوم این است که مراد از قصد قربت، یعنی قصد امر اما نه قصد امر غیرى بلکه قصد توسل به امر نفسی. پس امرها از هم جدا می‌شود و اشکال حل می‌شود. امر غیرى به وضو، متوقف است بر مقدمیت و مقدمیتش هم متوقف بر عبادیت و قربیت است. عبادیت و قربیت هم در غیرى‌ها متوقف بر قصد امر غیرى نیست بلکه متوقف بر قصد امر نفسی است.

بنابراین دیگر قصد امر غیرى لازم نیست و عبادیت به همین اندازه که مسیر اراده مولاست کافی می‌باشد و اشکال دور هم رفع می‌شود. این همان است که ما قبلاً گفتیم که هر مقدمه‌ای را به این نیت بیاورد عبادی می‌شود ولی در آن‌ها شرط نیست و در این سه مقدمه، شرط است. در شستن لباس یا پیمودن مسیر در مکه ذات این مقدمه تأثیر دارد اما در وضو و غسل، ذات غسلات و مسحات اثر ندارد بلکه باید با قصد قربی باشد. قصد قربی را در مقدمات دیگر نیز



می‌شود آورد و ما بعید ندانستیم که این هم مستقلاً ثواب داشته باشد اما شرط نیست ولی در وضو و غسل و تیمم شرط است و هیچ مشکلی ندارد؛ بنابراین دو راه ما اینجا داریم:

۱: یک راه برای کسی که متوجه امر نفسی است؛ متوجه این است که امر نفسی خدا به وضو و غسل و این‌ها توجه دارد. همان که قصد امر نفسی می‌کند این می‌شود عبادیت و مقدمیت؛ یعنی دو حیث دارد هم ذاتاً ارزش دارد و هم مقدمیت دارد مثل نماز ظهر برای عصر؛ نماز ظهر برای عصر هم ذاتاً امر دارد هم درعین حال مقدمیت برای عصر دارد یا مغرب برای عشاء.

این برای کسی است که متوجه این است که یک امر نفسی به این وضو و غسل هست. همین که قصد آن امر نفسی می‌کند این می‌شود عبادی و ذاتاً ارزش دارد درعین حال مقدمیت هم دارد چون مقدمه باید عبادی باشد. این برای متذکر به امر نفسی قبل از وقت است.

۲: در راه دوم در وقت، امر نفسی مستقلاً نمانده است چون منحل شد ولی ملاکش هست و همان ملاک کافی است. برای کسی که غافل و ناسی از امر نفسی است می‌گوییم: همین که نیتش این است که به ذی‌المقدمه برسد این را عبادی می‌کند. با این طرق و روش‌ها اشکال رفع می‌شود.

خلاصه بحث

حاصل بحث این است که مقدمات واجب به توسلی و تعبدی تقسیم می‌شوند. تعبدیت مقدمه یا به این است که علاوه بر مقدمیت، نفسیت هم دارد مثل نماز ظهر برای عصر و نماز مغرب برای عشاء و یا مثل وضو و غسل برای کسی که خارج از وقت است و توجه به این هم دارد و یا عبادیتش به این است که نیت می‌کند تا مقدمه را در مسیر آن امر نفسی قرار بدهد، همین آن را عبادی می‌کند.

برای توسل به ذی‌المقدمه، قصد آن را می‌کند نه قصد امر خودش. اگر قصد این امر را بکند دور برای پیش می‌آید. فرض بگیریم امری هم در کار نباشد، همین که مقدمه با ذی‌المقدمه پیوندی دارد به خاطر این کار را انجام می‌دهد. ضمن اینکه قصد امر هم لازم نیست و قصد مطلوبیت ولو مطلوبیت غیری کافی است. به این ترتیب به نظر می‌آید بحث حل باشد. چند راه دیگر از مرحوم شیخ و ... هم نقل شده که لازم نیست به آن‌ها بپردازیم.